

ساختار چند هسته‌ای مدینه‌های مراکش

فرونش مخلص

پژوهشگر دکتری معماری منظر، پژوهشکده نظر و دانشگاه پاریس ۸

farnooshmokhles@gmail.com

چکیده

شهرها تحت تأثیر عوامل و ابعاد مختلف، مبتنی بر تعریف واحدهای اجتماعی با کارکردهای خاص و بر اساس مرکزیتی اولیه شکل می‌گیرند. ابعاد اجتماعی و فیزیکی شهر، رابطه پویایی با یکدیگر دارند. بافت فیزیکی با روندهای متفاوت اجتماعی تولید شده، مشخص می‌شود و مکان اجماع آنها مرکز عینی-ذهنی بافت به شمار می‌آید. مرکز شهر واژه‌ای برای تفسیر فعالیت‌ها، آداب و رسوم، فرهنگ و تاریخ یک ملت است که بسته به ساختار شهرها و یا وقایع ذهنی صورت گرفته می‌توانند مکان‌یابی مشخصی داشته باشند. این مراکز فعالیت و رفتاری زمانی سازمان یافته خواهد بود که کالبدی برای آن تعریف شود و این کالبد به نقاط عطف شهری بدل خواهد شد.

بسته به زمینه فرهنگی شکل‌گیری مراکز شهری در تعریف و ساختار آنها، از تفاوت‌های شکلی و کارکردی آن می‌توان به تفاوت‌های معنایی و نقش آنها برسیم.

از بررسی مدینه‌ها به عنوان بافت‌های تاریخی و هسته‌های اولیه شکل‌گیری شهرهای مراکش و قیاس و استنتاج آنها، ساختارهای مختلف بافت تاریخی و قوانین و ابعاد مختلف شکل آنها مشخص می‌گردد. با مشاهده مدینه‌های تاریخی در بافت قدیم شهرهای فاس، رباط و طنجه و تطوان و همچنین مکناس و مراکش به نظر می‌رسد، در کنار اجتماع لایه‌های متنوع فعالیت، در فضای داخلی مدینه‌ها نمی‌تواند مرکز شهر واحد و مستقلاً در مقیاسی کلان متصور شد. به دلیل اختصاصی بودن این مراکز در بافت، مکان‌های موجود برای سایر شهروندان نقش هویتی و خاطره‌ای ندارند، در نتیجه فضای داخلی مدینه‌ها دارای منظری از اجماع مراکز جزء بوده و عنوان شهر چند هسته‌ای برای آن قابل تفسیر است و در فضای خارجی مدینه‌ها، مرکز شهر در خارج از حصار و در لبه شهر شکل گرفته است که لبه را از عنصری حاشیه‌ای به متن تبدیل کرده و به عنوان مکانی هویتی در مراکش نقش ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی

مرکز شهر، ساختار عروقی، شهرهای اسلامی، مراکز مفهومی، مراکز کالبدی.

مقدمه

شهر، جامعه‌ای را به یاد می‌آورد که باید منسجم و متحد باشد. در این صورت خیابان‌ها و کوچه‌ها به منزله راهرو و خانه‌ها به منزله اتاق‌هایی هستند که یک خانواده از آن استفاده می‌کنند (بمات، ۱۳۹۳: ۸۸). در واقع شهر محوری است از محل تجمع ارزش‌هایی که تمدنی را می‌سازد. شهر اسلامی عبارت است از نمایش فضایی شکل و ساختمان اجتماعی، که بر اساس ایده‌آل‌های اسلامی، فرم‌های ارتباطی و عناصر تزئینی خود را نیز در آن وارد کرده است. اما فراتر از مفهوم اجتماع، مفهوم «امت اسلامی» است. امت، اجتماعی است که یک سری آداب و روش زندگی را مشترکاً رعایت می‌کند و جامعه‌ای است که به سوی یک قبله واحد روی می‌گرداند و به عنوان «جهت نگاه» تعریف می‌شود. دستاورد این نگاه ساخت شهرهایی چون مکه، مدینه، دمشق، قیروان، سمرقند، اصفهان، رباط و فاس است که بر اساس اصول و معیارهای شهر اسلامی ساخته شده‌اند و بر اساس مرکزیت معنوی، کالبد یافته‌اند (همان، ۱۳۹۳: ۱۱). می‌توان گفت مهمترین عنصر و اصلی‌ترین عامل پدیدآورنده شهر «انسان» است که شهر زیستگاه او و مکان فعالیت‌هایش محسوب می‌شود. پس از انسان، قوانین و مقررات، آداب و رسوم و رفتار شهروندان قرار دارد که رابطه آنان با یکدیگر در قلمروهای معنوی و مادی حیات، معنا می‌یابد و بالاخره کالبد شهر قرار دارد که علاوه بر عوامل ذکر شده تابع شرایط خاص محیطی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی است. در مراکش امروز آنچه قابل بررسی است مکان‌یابی مرکز شهر است که به دلایل امنیتی در زمان شکل‌گیری مدینه در لبه شهر و خارج حصار شکل گرفته و فضای داخلی مدینه را به بافتی چند هسته‌ای مبدل ساخته است.

در قرون قبل از میلاد، مغرب و کلیه قسمت‌های شمال آفریقا در دست فینیقی‌ها و کارتاژها بود. این اقوام تجارت پیشه بر سرتاسر منطقه مدیترانه آنروز تسلط داشتند. پس از انقراض آنها، مغرب در قرون اول قبل از میلاد تا قرن پنجم تحت اشغال رومن‌ها درآمد و آنگاه به ترتیب «واندال‌ها»، «ویزیگوت‌ها» و «بیزانتن‌ها» یونان بر آن چیره شدند. سرانجام در سال ۵۰ هجری قمری (برابر سال ۶۶۵ میلادی) ساکنان، دین نوین اسلام را پذیرا شدند (رزم‌آسا، ۱۳۸۶: ۶۸) اسلام در سال ۱۷۰ هجری قمری (برابر سال ۷۸۶ میلادی) و بطور مشخص پس از گریز یکی از نوادگان پیامبر معروف به «مولا ادریس بن عبدالله بن الحسن بن الحسن بن علی» از دست حاکمان عباسی بغداد به صورت ریشه‌ای و بنیادین در منطقه گسترش یافته تا اینکه مراکشیان وی را به امیرالمؤمنین سرزمین خود برگزیده و پس از بیعت و اعلام وفاداری، با کمک ایشان نخستین دولت اسلامی مستقل از خلافت مشرق عربی را بر پا نمودند که نام دولت ادریسیان را به خود گرفت و در سال ۸۰۹ میلادی اولین شهر اسلامی مراکش در زمان مولای ادریس دوم به نام فاس تأسیس شد. به دنبال آن شهرهای رباط در سال‌های ۱۱۸۴-۱۱۹۹ و شهر مکناس در سال‌های ۱۶۷۲-۱۷۲۷ بر اساس بنیان فکری اسلامی بنا نهاده شدند.

نفوذ اسلام به سرزمین‌های گوناگون در آسیا، آفریقا و اروپا اثرات اجتناب‌ناپذیر و فراوانی بر توسعه شهر بر جای گذاشته است. آداب و رسوم مذهبی، باورها و ارزش‌های آن به ویژه آنجا که با نظم و اقتدار ربط پیدا کند، بر گردهمایی اجتماعی تأکید کرده‌اند و دیگر شهر به عنوان معماری مطرح نیست، بلکه با کسانی که در آن زندگی می‌کنند مطرح می‌شود. در فرهنگ اسلامی، خود کلمه

مرکز شهر

هر شهری بواسطه تنوع مردمان، فرهنگ‌ها، بوم و تاریخ آن منحصر به فرد است. اما از آنجا که ساختار شهرها، بسیار پیچیده است، نمایش یک شهر به بهترین وجه در مرکز یا کانون فعالیتی آن تحقق می‌یابد (پامیر، ۱۳۹۴: ۳).

مرکز شهر یک منظر است؛ مفهومی عینی-ذهنی که بعد عینی آن در لایه‌های کالبدی و فعالیتی و بعد ذهنی آن در لایه معنایی برآمده از خاطره جمعی، حس تعلق به مکان، هویت شهر و نمادهای آن متبلور می‌شود. چیستی و هویت شهر در «مرکز» ظهور می‌کند و توسط شهروندان به عنوان شناسه شهر شناخته می‌شود. مرکز شهر، حافظه و قلب زندگی اجتماعی آن است؛ محل فعالیت‌های عمومی، تولید خاطرات جمعی است. این تعریفی

جامع و کلی از مرکز شهر است که مؤلفه اصلی ساخت مرکز را بر پایه بعد اقتصادی شهر تعریف می‌کند و این در حالی است که مفهوم آن برای سایر مراکز در بلاد فرهنگی-مذهبی مختلف قابل ارجاع نیست.

در شهرهای اسلامی اتفاقات معنایی و کارکردی به صورت خودجوش در یک مکان بر هم منطبق می‌شدند و مفهوم مرکزیت با محل آن، که الزاماً مرکز هندسی شهر نیز نبود، مرکز شهر را پدید می‌آورد. آرایش محله‌ها در پیرامون مرکز و ارتباط آنها با یکدیگر از طریق ساختاری کالبدی که از مرکز منشعب می‌شد بر مفهوم مرکز به عنوان قلب فیزیکی و متافیزیکی شهر تأکید می‌کرد. با بررسی و انطباق مراکز شهرهای اسلامی مختلف و تفکیک لایه‌های معنایی و عملکردی به مراکز مشترک مذهبی-

مقررات» گرفته و این واژه به معنی «ارگ و حصار» نیز استفاده شده است. در حقیقت مفهوم پناه شهر یا محل تحصن به منظور اعطای امنیت و بدست آوردن آزادی را می‌دهد (مشکینی و رضایی‌مقدم، ۱۳۹۳ : ۴۱). می‌توان این حس امنیت را بر اساس اصول اسلامی در امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت قانونی و امنیت دسترسی تفسیر کرد.

به نظر می‌رسد درونگرایی مدینه‌ها و محصور بودنشان حاصل شرایط فرهنگی و سیاسی آنها بوده و بارزترین مشخصه آنها در راستای مفهوم امنیت، پیچیدگی در دسترسی‌ها و حصار دور شهر است. فضاهای پر پیچ و خم مدینه‌ها در مراکش نشان از سازمان فضایی متفاوتی دارند که به نظر می‌رسد به صورت خود به خودی و بر اساس نظام امنیت اجتماعی شکل گرفته باشد و هسته شکل‌گیری آن بر پایه قطب مذهبی -مسجد و مدارس دینی- و سیستم تأمین آب در حالت‌های مختلفی از ساختار فضایی و بر اساس اندیشه اسلامی شکل یافته است.

شهر داخل حصار و بر اساس مراکز عقیدتی-اقتصادی ساخته شده است. مسجد و بازار دو عنصر جدای‌ناپذیر در فرهنگ اسلامی هستند که تداوم حیات اجتماعی را تضمین می‌کنند و راه عنصر منظرین دیگری در ساخت شهر و پیونددهنده عوامل معنوی و مادی در شهر است (تصاویر ۱ و ۲). در سازماندهی شهر، عناصر اصلی چون مسجد و بازار، مکرراً در بافتی شبکه‌ای و عروقی تکرار شده‌اند و مرکزی واحد در خارج حصار شکل گرفته که خوانش جدیدی از سازمان فضایی مدینه‌های مراکش را موجب شده است (تصویر ۳). بر این اساس با تکیه بر بررسی مدینه شهرهای فاس، رباط، طنجه، تطوان، مکناس و مراکش، سازمان فضایی مراکش در ساختاری عروقی تفسیر شده است.

مفهوم مرکزیت در مدینه‌های مراکش

مهمترین عامل در تعریف مرکز شهر و تفسیر ساختار اندیشه اسلامی، فرهنگ و تمدن کهن است که تلفیق آن دو خوانش متفاوت از مفهوم مرکز شهر را در بسترهای فرهنگی مختلف ارائه می‌دهد. آنچه روایتگر مفهوم مرکزیت است، ریزمؤلفه‌های فرهنگی در پس ساختارهای اسلامی است که گونه‌ای متفاوت از مرکز شهر را نمایش می‌دهد.

شهرهای اسلامی زیادی بر پایه فرهنگ‌های مختلفی چون عرب، ایرانی، هندی،... در طول تاریخ شکل گرفته‌اند و اصول اولیه همه آنها بر پایه اندیشه‌های اسلامی و مؤلفه‌های اصلی آن چون مسجد، بازار و راه بوده‌اند. آنجا که شهرهای اسلامی بر روی تمدن‌های قدیمی بنا شده‌اند، فضایی با هویت و خصوصیات خاص خود را به وجود آورده و نگاهی اسلامی-هویت‌ی به شهر و فعالیت‌های جاری در آن را دارند.

شهرهای کهن مراکشی از نظر تاریخی و کالبدی ترکیبی از

اقتصادی به عنوان مرکز شهرهای اسلامی دست می‌یابیم. در مرکز این شهرها مسجد، به عنوان بعد معنوی و فکری شهر اسلامی قرار دارد و بازار به عنوان بعد مادی در کنار آن حیات می‌یابد. مرکز شهر و بنای مرکزی آن، در مکان ممتازی قرار نمی‌گیرد. مسجد از بافت شهر جدا نیست و وجود آن زندگی روزمره‌ای را که در بازار جریان دارد تضمین می‌کند. جریان اقتصادی، مفصل ارتباط‌دهنده بعد مذهبی و سکونتگاهی در شهر است. به صورت کلی و به عنوان نقاط اشتراکی می‌توان لایه‌های مرکز شهر اسلامی را در چهار بعد اولویت‌بندی کرد: بعد مذهبی - بعد اقتصادی - راه - بعد سکونتگاهی.

بمات به نقل از کتاب زیبایی «استفانو بیانکل» که مشخصاً به روابط بین معماری و شیوه زندگی اسلامی می‌پردازد، می‌نویسد: «کانون چنین ترکیبی، شهری همیشه در ارتباط با مسجد و بازار است. ارتباطی که بر سنت کهن اسلامی استوار است چرا که مکه هم زیارتگاه بوده و هم مرکز تجاری محسوب می‌شده است» (بمات، ۱۳۹۳ : ۹۸).

اما آنچه حائز اهمیت است تعریف لایه‌های معنا بخش مرکز در میان ابعاد چهارگانه در شهرهای اسلامی با بسترهای فرهنگی مختلف است. با تفاوت‌های شکلی و کارکردی می‌توان به تفاوت‌های معنایی و نقش آنها دست یابیم. این تفاوت‌ها بیشتر بر پایه بوم و فرهنگ هر منطقه استوار است. در واقع می‌توان مدعی این امر بود که مراکز شهری همانند سایر مؤلفه‌های منظر شهری، امری هویتی و در بستر رویدادهای جامعه مخاطب آن قابل تفسیر هستند. بر این اساس تلاش شده است با توجه به تاریخ سیاسی- فرهنگی مراکش و با بررسی ساختار شکلی و مفهومی مدینه‌ها در شهرهای فاس، تطوان، رباط و طنجه که برآمده از مشاهدات میدانی و بر پایه توصیف و تحلیل است به تعریف درست و جامع از مفهوم مرکز شهر در مدینه‌های مراکش دست یابیم.

مفهوم شهر در مراکش تاریخی

تا قبل از ظهور اسلام، مردم مراکش، بادیه‌نشینانی تحت سلطه قدرت‌ها و فرهنگ‌های مختلفی چون رومن‌ها بوده‌اند. با قبول اسلام، نظام زیست آنها به تشکیل سازمانی اجتماعی و درون‌گرا بر پایه نظام شهرنشینی تغییر کرد. ساخت مدینه‌ها و سازمان فضایی آن را می‌توان در دو قسمت بررسی کرد:

- ساخت شهر به منظور تأمین امنیت اجتماع شکل گرفته و نظام آن برگرفته از فرهنگ رومن‌ها- ساخت حصار در اطراف شهر.
- ساخت شهر بر اساس اندیشه اسلامی و مهمترین الگوی آنها تقلید از نظام شهری مکه و مدینه به عنوان مراجع شهرسازی اسلامی.

به لحاظ حقوقی کلمه «شهر» یا «مدینه» در بسیاری از کشورهای جهان، از کلمه یونانی «پولیس» به معنای «تمدن» یا «ضابطه و



تصویر ۲. پلان مدینه شهر فاس.
مأخذ: http://archnet.org/sites/983/media_contents/16877

تصویر ۱. مسجد و بازار دو عنصر جدایی ناپذیر و مفصل ارتباطی در شبکه مدینه شهر فاس. مأخذ: میثم خلیل پور، ۱۳۹۵.



تصویر ۳. شکل‌گیری مرکز شهر در مدینه‌های مراکش در لبه شهر و خارج از حصار. سمت راست: میدان الهدیم در مکناس و سمت چپ: میدان جامع الفنا در مراکش. عکس: میثم خلیل پور، ۱۳۹۵.



تصویر ۴. مسجد و بازار از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده مدینه‌ها هستند. مسجد نیز علاوه بر کارکرد مذهبی، در ارتباط با بازار، مفصلی کالبدی است برای اجتماعات مردمی. مدینه تطوان. عکس: میثم خلیل‌پور، ۱۳۹۵.

شهرهای اسلامی و رومن هستند و در میان بافت عروقی و پیچیده شهر عناصر اسلامی معنا یافته و شهری چند مرکزی به وجود آمده است که در قلمرو خود در بافت اطراف نقش ایفا می‌کند. بر این اساس کالبد شهر برگرفته از نیاز به برقراری امنیت و غلبه فرهنگ رومن شکل یافته و مفهوم آن بر اساس اندیشه اسلامی و با همنشینی بعد مادی و معنوی شکل گرفته است.

مدینه‌ها، هسته‌های اولیه شکل‌گیری شهرهای مراکش و مناطق مسلمان‌نشین بوده‌اند و عناصر سازنده آنها مسجد، بازار، راه و بافت سکونتگاهی است. اما این عناصر در ترکیب با محیط و دانه‌های تشکیل‌دهنده شهر، بیشتر تابع شرایط سیاسی-اجتماعی و عوامل فرهنگی حاکم در زمان خود بوده‌اند. ایجاد شهر و شهرسازی در مدینه‌ها، کاری فرهنگی بوده و در قالب کالبدی متناسب با آن خود را نمایان ساخته است (تصویر ۴).

با توجه به یافته‌های میدانی در مدینه شهرهای فاس، تطوان، رباط و طنجه می‌توان این‌گونه استنباط کرد که مدینه‌های مراکش طبق الگوی شهرسازی اسلامی-رومن ساخته شده‌اند با این تفاوت که فاقد فضاهای عمومی رومن چون تالارهای دادرسی، تئاترها، استادیوم‌ها و... هستند و تنها دارای حصار، اماکن خصوصی-خانه و کاخ- و فقط دو گونه ساختمان عمومی در داخل مدینه‌ها هستند: حمام و مسجد که در شبکه اقتصادی و راه‌های اتصالی فضاهای شهر، شکل گرفته‌اند و ساختار فعالیتی-کالبدی تعریف شده‌ای در بستر مدینه‌ها دارند و فضای جمعی که حکم مرکز شهر را داشته باشد در خارج حصار شکل گرفته است.

در این مدینه‌ها قاعده و نظمی که در شهرهای رومن رایج بوده است، کاربرد ندارد و در آنها یک مرکز شهری برای اعمال قوانین و تجمعات مردمی در فضای داخلی شهر یافت نمی‌شود. مدینه‌ها محصور در حصاری هستند که گرداگرد آن را فراگرفته و خانه‌ها تقریباً در یک سطح بوده و شامل مجموعه‌ای از بناها است که نمای بیرونی نسبتاً یکسانی دارند. خیابان‌ها تنگ و باریک و مارپیچی پر پیچ و خم را تشکیل می‌دهند. این مسیرها تا جلوی در ورودی خانه‌ها ادامه دارد اما هیچ تصویری از ماهیت محله بدست نمی‌دهد (بنه‌ولو، ۱۳۹۳: ۹ و ۱۰). در مسیر راه‌های دسترسی، مغازه‌ها در طول یک یا چند خیابان سرباز یا سرپوشیده کنار یکدیگر قرار دارند و بازار را شکل می‌دهند. در مفاصل راه‌ها و بازار، مساجد با فضاهای سرپوشیده و هندسی، رواق‌ها و شبستان‌هایی که توسط ستون‌های زیادی تقسیم شده است، فضاهای مذهبی-اجتماعی مدینه‌ها را شکل داده‌اند. این بی‌قاعدگی در تضاد با نظم هندسی صحن مسجدها، بر اهمیت کارکرد مسجد به عنوان قطب مهم اجتماعی در مدینه‌ها تأکید دارد و بعد مهمی از فضای عمومی در مدینه‌ها به شمار می‌آید که به صورت متعدد و از نظر ارزشی، یکسان در مفاصل متعدد ساخته شده‌اند.



تصویر ۵. تصویر ساختار عروق بدن انسان که در بافتی پیچیده و با بینهایت مفصل ارتباطی خون را در بدن جاری می‌کند. این عروق به صورت کل ساختاری واحد دارند و در صورت تضعیف و نابودی هر کدام از رگها، سایر رگها به عملکرد خود ادامه می‌دهند.

مأخذ: <http://zist-sad.mihanblog.com/post/173>

عناصر عملکردی پراکنده در سطح شهر (واحدهای عملکردی) هنگامی که توسط شبکه ارتباطات اصلی به هم متصل می‌شوند به یک درجه بالاتر در نظام ساماندهی ساختار کالبدی شهر دست می‌یابند، لذا استخوان‌بندی شهر باید ترکیبی از شبکه‌راه‌های اصلی شهر (کریدورهای اصلی حرکتی) و ساختمان‌های مهم باشد. با توجه به بررسی نمونه‌های انتخابی در ساختار فرهنگی مراکش و طبق تعریف‌های رایج مرکز شهر می‌توان استنباط کرد که در سیستم پیچیده و چند مرکزی مدینه‌ها که هر عنصر آن یک خرده سیستم به شمار می‌آید و هر رابطه وضعیتی منحصر به فرد دارد، اصطلاح «مرکز» در نگاهی کل‌گرا بر اجماع و یزگی خرده سیستم‌ها دلالت دارد و همه روابط را باید در بافت عناصر سیستم بررسی کرد (تصاویر ۶ تا ۸). بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان مراکز شهر در مدینه‌های مراکش را در چهار لایه متصور شد:

- لایه امنیت که عامل اصلی ساختار کالبدی آن است و نقش کارکردی در شهر دارد. حصار اطراف شهر و مسیرهای تنگ و تودرتو نمونه عینی مفهوم امنیت است.
- لایه عقیدتی (مساجد و مدارس دینی)، که مفهوم مرکزیت در شهر را سامان می‌دهد و به صورت گسترده در مفاصل شهر تکرار شده است.
- لایه اقتصادی (بازار)، نقش مرکز را تفسیر می‌کند و خود عامل تداوم حیات اجتماع است و در تلاقی با گذرها، ارتباط با مفاصل را برقرار می‌کند و موجب پویایی محیط است.
- راه، کالبد شهر را معنا می‌کند و عامل اتصال مرکز مفهومی شهر و انتقال فعالیت‌های اجتماعی به لایه‌های تودرتوی شهر و جریان حیات در آنها است.

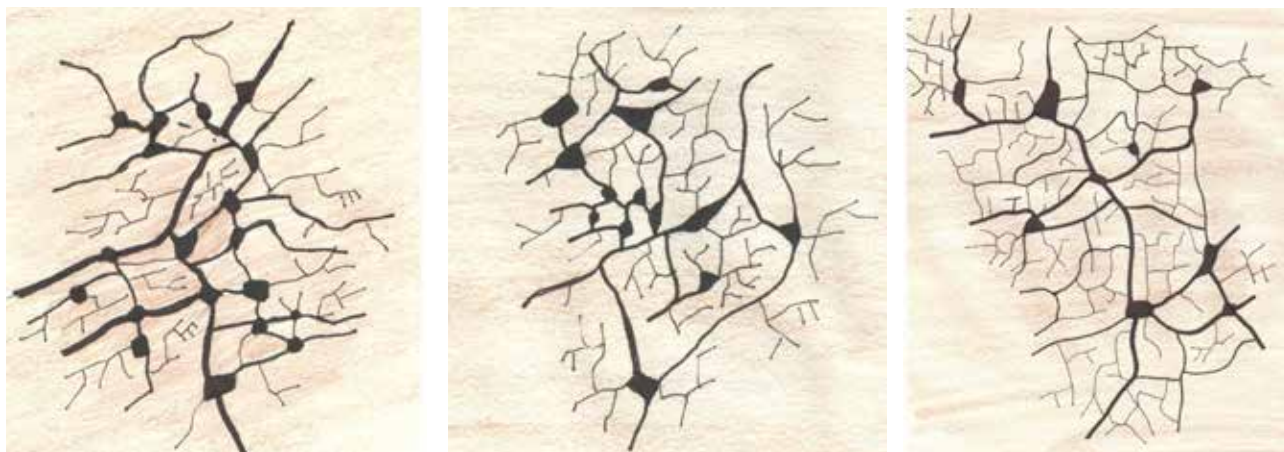
ساختار عروقی مدینه‌ها

ساختار عروقی، ساختاری چند مرکزی است که در آن عملکردهای گوناگون در ارتباط با هم حیات یافته‌اند. در این ساختار همه اجزا در ارتباطی شبکه‌ای قرار دارند و در عین حال مستقل از هم عمل می‌کنند، به گونه‌ای که تضعیف و یا نابودی هر کدام از اعضا در ماهیت کلی آن تأثیری نداشته و سایر اجزا به حیات خود ادامه می‌دهند و می‌تواند به صورت نامحدود گسترش یابند. با توجه به نظام ساختاری مدینه‌ها، آنها فاقد مرکزی واحد با گشودگی فضایی مناسب بوده و عناصر اصلی و سازنده آنها _مسجد و بازار_ به گونه همسان قابل گسترش هستند.

«ویلیام مارسز» بر پایه نوشته‌های ابن‌خلدون، شهر اسلامی را ناگزیر به داشتن مسجد جامع، بازار و کاربری‌های عام‌المنفعه چون حمام می‌داند. مدینه‌ها نیز بر اساس الگوی شهرهای اسلامی شکل یافته‌اند و این الگو به صورت متعدد در شبکه شهر تکرار شده است. در سازماندهی این عناصر عوامل فرهنگی و امنیت نقش کلیدی داشته‌اند. پلان مدینه شهرهای تطوان، رباط، طنجه و فاس، با حصار گرداگرد شهر، ساختاری پیچیده دارند و آنچه از پلان آن ادراک می‌شود مسیرهای دسترسی متعدد و در دو دسته اصلی و فرعی است که مراکز اجتماعی را به فضای سکونت و پیچیده شهر متصل می‌کنند.

در مسیرهای مختلف دسترسی و در فواصل نزدیک، مسجد و بازار نقش اصلی را ایفا می‌کنند و بافت مدینه را به بافتی چند مرکزی در مقیاس خرد تبدیل کرده است. مساجد در مفاصل شبکه و ساختاری درونگرا قرار دارند که اجتماع مردم در فضای مرکزی آنها و در مکانی کالبدی صورت می‌گیرد و آنچه در فضای اطراف آن رخ می‌دهد گذر و جابجایی در تلاقی با اقتصاد شهر است. فرهنگ بادیه‌نشینی مراکش قبل از اسلام از سنت‌های شهرنشینی و نظام تشکل‌های اجتماعی فاصله داشته و بهترین الگو در ساخت شهر، الگوبرداری و تقلید از نمونه‌های مقدس و قابل اتکا مانند مکه و مدینه بوده است. شریان‌های اصلی را با نظام معنوی و مادی توأمان سامان می‌دهد و آنجا که به فرهنگ خود متکی است بافتی تودرتو و مبهم از سکونت را در ساختاری عروقی آرایش می‌دهد (تصویر ۵).

هر جزء در سیستم با توجه به نوع روابطش با جزء دیگر، نظمی خاص را به سیستم می‌دهد. «عملکرد هر سیستم بیشتر به تعامل اجزاء آن بستگی دارد، تا فعالیت مستقل از هم هر یک آنها» (ایکاف، ۱۳۷۵: ۲۲). هر عنصری برای آنکه بتواند به پدیده‌های دیگر در کنار خود جای دهد و بدان متصل شود به عنصر واسطه‌ای احتیاج دارد که اصطلاحاً مفصل گفته می‌شود. به نقش، اهمیت و کاربرد مفاصل در احیا و توسعه استخوان‌بندی شهر به ویژه از نظر تأثیر در تغییر جهت محورها، باید توجه خاص داشت.



تصاویر ۸ تا ۱۰: پلان مدینه‌های مراکش با ساختار عروقی در شهرهای رباط، طنجه و تطوان که از نظر فرمی و عملکرد شباهت زیادی با سیستم عروقی بدن انسان دارند. مأخذ: نگارنده

نتیجه‌گیری

مردم دلالت دارد، مبتنی بر نظام‌های متعددی چون عناصر شهری است که معنا بخش این مفهومند:

- عناصر امنیتی: پلان عروقی و حصار اطراف شهر.
- عناصر مذهبی: مسجد، مدارس دینی.
- عناصر اقتصادی: بازار و راسته‌های تجاری.
- شبکه‌های ارتباطی: راه‌های ارتباط دهنده مرکز به بافت تودرتو شهر و منطبق با بازار.

در داخل حصار مدینه‌ها با توجه به تعریف‌های رایج مرکز شهر، در نگاه کل‌گرا، مرکز واحد فعالیتی وجود ندارد و آنچه حاکم است خرده مراکز اجتماعی است که به صورت یکسان و متعدد با دو لایه اصلی مذهبی و اقتصادی در بستر راه‌های دسترسی تعریف شده است و سایر عناصر تشکیل دهنده آنها چون لایه مسکونی در امتداد راه‌ها و بازار، در مسیری پر و پیچ خم، نظام یافته است. در واقع ساختار کالبدی مدینه‌ها، و آرایش فضایی آنها، رفتارهای اجتماعی ساکنین را شکل داده و بر اساس این نظام فکری-کالبدی، حیات مدینه‌ها، در بستری متفاوت از نظام‌های شهری و فعالیت‌های اجتماعی در لبه آن شکل گرفته است.

طراحی و مدیریت مدینه‌ها و لایه‌های فعالیتی آنها جهت مرکز شدن این بافت تحت تأثیر امنیت اجتماعی و تداوم حیات ساکنین در دوره تاریخی-سیاسی حاکم در آن جامعه به صورت کلونی‌های کوچک درآمد است. در نهایت با توجه به نظام ساختاری مدینه‌ها، مکانیابی مرکز شهر در دو موقعیت مکانی داخل و خارج حصار مدینه‌ها قابل بررسی است. آنچه از مراکز شهرهای مراکش قابل تعریف است، شکل‌گیری مرکز هویتی در لبه مدینه‌ها و ساختاری چند مرکزی در داخل حصار هستند. مراکز شهری در مدینه‌ها با لایه‌های فعالیتی مختلف در لبه شهرهای مراکش ساخته شده‌اند که بر اساس سیاست‌های شکل‌گیری مدینه و بدون پیشینه فرهنگی به وجود آمده و خرده مراکز داخلی، ساختاری اولیه از مراکز شهری و قلمرویی محدود را در نظامی قابل تکثیر و همگن، پوشش می‌دهند. مبانی نظری طرح و ساخت آنها مشتمل بر اصول و ضوابط اسلامی است. این شهرها ساخته شده بر مبنای عمل به احکام دین و بر اساس فرهنگ بادیه‌نشینی و رومن است که گونه‌ای جدید از مفهوم مرکز را ارائه می‌دهد. معنی و ویژگی‌هایی که بر ساخت شهر اسلامی مراکش و ارتباط آنها با سکونتگاه‌های

فهرست منابع

- ایکاف، راسل. (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی تعاملی، ت: خلیلی شورینی، سهراب. تهران: نشر مرکز.
- بمت، نجم‌الدین. (۱۳۶۹). شهر اسلامی، ت: حلیمی، محمدحسین و اسلامبولچی، منیژه. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- بنهولو، لئوناردو. (۱۳۹۳). تاریخ شهر (شهرهای اسلامبو اروپایی در قرون وسطا)، ت: موحد، پروانه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پامیر، سای. (۱۳۹۴). آفرینش مرکز شهری سرزنده؛ اصول طراحی شهری و بازآفرینی، ت: بهزادفر، مصطفی و شکیبامنش، امیر. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- مشکینی، ابوالفضل؛ رضایی‌مقدم، علی. (۱۳۹۳). بررسی مؤلفه‌ها و شاخصه‌های شهر اسلامی با تأکید بر نقش و اهمیت فرهنگ‌سازی در تحقق الگوی شهرسازی اسلامی-ایرانی، شهر پایدار، ۱(۱): ۳۷-۶۸.